معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی راهبردی

مؤلفه‌های قدرت مرکب برای پیروزی در جنگ ترکیبی

سه ضلع دیپلماسی، میدان و خیابان

از همگرایی تا هم‌افزایی

مؤلفه‌های قدرت مرکب برای پیروزی در جنگ ترکیبی

سه ضلع دیپلماسی، میدان و خیابان

از همگرایی تا هم‌افزایی

معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی راهبردی

۱۴۰۴/۱۲/۲۷

فهرست مطالب

مقدمه؛ ۴

بخش اول- میدان؛ تجلی راهبردی قدرت سخت نظام ۵

۱-۱. میدان به‌مثابه بُعد فعال قدرت ملی ۵

۱-۲. هماهنگی میدان با خیابان و دیپلماسی ۵

۱-۳. پیامدهای منطقه‌ای ۵

بخش دوم- ضلع خیابان؛ افکار عمومی و دینامیک مشروعیت اجتماعی ۶

۲-۱. خیابان در عصر نبرد ادراکی ۶

۲-۲. خیابان و نظریه‌ی قدرت نرم ۶

۲-۳. خیابان در نسبت با دیپلماسی ۶

بخش سوم- ضلع دیپلماسی؛ زبان عقلانیت و مدیریت تنش در چارچوب راهبردی ۷

۳-۱. دیپلماسی فعال به جای دیپلماسی تدافعی ۷

۳-۲. پیوند دیپلماسی با میدان و خیابان ۷

۳-۳. نقش دیپلماسی در حفظ منافع ملی در بحران‌های چندلایه ۷

بخش چهارم: هم‌افزایی سه ضلع و شکل‌گیری قدرت مرکب ۸

بخش پنجم: جایگاه سه‌ضلعی در ساختار منطقه‌ای و نظم نوین جهانی ۹

بخش ششم: ضرورت هم‌افزایی ملی در حمایت از دستگاه دیپلماسی کشور ۱۰

۶-۱. دیپلماسی به مثابه قدرت عقلانی کشور ۱۰

۶-۲. تجربه‌های تاریخی و درس‌های راهبردی ۱۰

۶-۳. دیپلماسی در برابر میدان رسانه‌ای و جنگ شناختی ۱۱

۶-۴. .دیپلماسی، زبان وحدت ملی در خارج از مرزها ۱۱

۶-۵. نقش نخبگان، احزاب و شخصیت‌ها در تقویت دیپلماسی ۱۱

۶-۶. مردم؛ سپر اجتماعی دیپلماسی کشور ۱۲

۶-۷. چالش‌های تضعیف دیپلماسی در نبود حمایت عمومی ۱۲

۶-۸ . دیپلماسی به مثابه میراث عقلانیت ملی ۱۲

بخش هفتم- اهمیت تقویت «میدان» در جنگ کنونی؛ بازوی اقتدار ملی ۱۳

۷-۱. میدان، عامل بازدارندگی و سیگنال‌دهی راهبردی ۱۳

۷-۲. میدان، پشتوانه‌ی عملیاتی دیپلماسی ۱۳
۷-۳. میدان، تضمین‌کننده‌ی انسجام اجتماعی و روحیه‌ی «خیابان» ۱۴
۷-۴. تنوع ابعاد «میدان» در جنگ نوین ۱۴
۷-۵. جمع‌بندی: میدان، ستون فقرات قدرت ملی در جنگ ۱۴
بخش هشتم- «خیابان»؛ موتور محرک مقاومت و مشروعیت در جنگ ۱۵
۸-۱. «خیابان»؛ تجلی اراده‌ی عمومی و مشروعیت‌بخشی به اقدامات ۱۵
۸-۲. «خیابان»؛ خط مقدم جنگ ادراکی و روانی ۱۵
۸-۳. «خیابان»؛ موتور محرک و پشتوانه‌ی اقتدار نرم ۱۶
۸-۴. «خیابان» و رابطه‌ی دوسویه‌ی آن با «میدان» و «دیپلماسی» ۱۶
بخش نهم- راهکارهای تقویت و توضیح برخی مفاهیم اضلاع سه‌گانه‌ی قدرت ملی ۱۷
۹-۱. راهکارهای تقویت «میدان» (قدرت سخت و عملیاتی) ۱۷
۹-۲. راهکارهای تقویت «خیابان» (قدرت اجتماعی، روانی و ادراکی) ۱۷
۹-۳. بخش سوم: راهکارهای تقویت «دیپلماسی» (قدرت نرم و هوشمند) ۱۸

مقدمه؛

در بستر تاریخی و ژئوپلیتیکی خاورمیانه، ایران همواره از موقعیتی برخوردار بوده که در آن قدرت، نه صرفاً حاصل قدرت نظامی و اقتصادی بلکه مؤلفه‌ای مرکب از «ایمان، مردم و عقلانیت سیاسی» است. در بحبوحه جنگ ترکیبی شدید آمریکای جنایتکار و رژیم جعلی صهیونیسم در قالب جنگ رمضان وضعیتی شکل گرفته که نشان می‌دهد کشور نیازمند تقویت بیش از پیش راهبرد مرکب فوق است؛ ضرورتی که باید همگان به آن باور برسند که سه ضلعِ «میدان»، «خیابان» و «دیپلماسی» نه فقط کنار هم بلکه در هم تنیده‌اند» این سه محور در حقیقت بازنمایی سه سطح از قدرت ملی‌اند:

میدان: قدرت سخت و فیزیکی؛ ابزار دفاع، حمله و بازدارندگی که بر دوش جان‌برکفان نیروهای مسلح ایران است.

خیابان: قدرت اجتماعی و ادراکی؛ نمایش اراده‌ی جمعی و پویایی مردمی که از روز نخست جنگ، با حضور مثال‌زدنی مردم در میادین، مساجد، مراسم بیعت، تشییع شهدا، نماز جمعه و .. تحقق یافته است.

دیپلماسی: قدرت نرم و هوشمند؛ تنظیم روایت جهانی و باز کردن مسیرهای تنش‌زداییِ هدفمند و اقناع‌سازی افکار عمومی به ویژه سران و ملت‌های کشورهای همسایه برای نشان‌دادن چهره‌ی دشمنان اصلی جهان اسلام(آمریکا و اسرائیل) و رساندن صدای مردم مظلوم اما مقتدر ایران به گوش جهانیان که بر عهده دستگاه دیپلماسی کشور است.

در این نوشته سعی داریم به بررسی نقش و کارکرد هر یک از این سه ضلع در وضعیت فعلی کشور و منطقه بپردازیم و برخی اصطلاحات را توضیح دهیم.

بخش اول- میدان؛ تجلی راهبردی قدرت سخت نظام

در شرایط کنونی، یک اصل کلیدی تبلور یافته است؛ هیچ‌یک از اضلاع قدرت جمهوری اسلامی ایران، جای دیگری را نمی‌گیرد، بلکه ضعف یکی ضعف سه‌ضلعی است: ضلع میدان، تجلی راهبردی قدرت سخت در گفتمان عقلانی و پایگاه تحقق اراده‌ی ملی در ساحت عملی است. در جنگ رمضان، نظامیان نه صرفاً در حال دفاع هستند، بلکه حامل پیامی سیاسی، اخلاقی و اجتماعی نیز محسوب می‌شوند. امروز مفهوم «میدان» فقط معادل عملیات نیست، بلکه نشان‌دهنده‌ی «رهبری کنش‌گرانه‌ی ملی در مقابل تهدیدهای ترکیبی» است.

۱-۱. میدان به‌مثابه بُعد فعال قدرت ملی

در ادبیات نوین راهبردی، میدان صرفاً صحنه‌ی نبرد نیست بلکه محل «**بازنمایی عقلانیت قدرت**» است. هر اقدام میدانی، به معنای ارسال سیگنال امنیتی و روانی به دشمن است. ایران در این چارچوب، با بهره‌گیری از ساختارهای بومی و مؤلفه‌های مقاومت، تحت رهبری فرمانده معظم کل قوا حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای(حفظه الله) نوعی مدل جدید از دفاع فعال را ارائه می‌دهد؛ مدلی که پیش‌دستانه است اما نه مبتنی بر هیجان، بلکه مبتنی بر مدیریت زمان و تاکتیک‌های خاص.

۱-۲. هماهنگی میدان با خیابان و دیپلماسی

نکته حیاتی در عملکرد میدان، هماهنگی کامل با افکار عمومی و رایزنی سیاسی است. در شرایط کنونی، هر پیروزی میدانی، نیازمند پشتوانه‌ی دیپلماسی در گفت‌وگوهای منطقه‌ای است و هر حضور مردمی، روحیه‌ی میدان را چندبرابر می‌کند. طبیعی است که در این میدان جنگ منطقه‌ای، هر تصمیم سیاسی، ساختار میدان را مشروع‌تر جلوه می‌دهد. بدین‌ترتیب، میدان نه در خلأ بلکه در این ساختار مثلثی قدرت معنا پیدا می‌کند.

۱-۳. پیامدهای منطقه‌ای

در محیط پیرامونی، موفقیت‌های میدانی ایران منجر به ایجاد توازن جدید بین محور مقاومت و جبهه‌ی مخالف شده است. کشورهایی که در گذشته تلاش داشتند میدان را از دیپلماسی جدا کنند اکنون با مدلی مواجه‌اند که این دو را هم‌افزا کرده است که این خود باعث دشواری تحلیل دشمن در ارزیابی رفتار ایران می‌شود.

بخش دوم- ضلع خیابان؛ افکار عمومی و دینامیک مشروعیت اجتماعی

ضلع خیابان، نماد قدرت اجتماعی کشور است. در شرایط بحران، خیابان همچون قلب تپنده‌ی ملت عمل می‌کند؛ جایی که «اراده‌ی عمومی به شکل جمعی بازنمایی می‌شود»

۲-۱. خیابان در عصر نبرد ادراکی

در جنگ‌های جدید، مرز میان میدان نظامی و میدان روانی از میان رفته است. خیابان، بستر شکل‌دهی به گفتمان حمایت ملی از تصمیمات حاکمیت است. حضور مردم در صحنه، حتی اگر نمادین باشد، پیام بزرگی برای بازیگران بین‌المللی دارد؛ «مردم همراه تصمیمات نظامشان هستند و بحران، کشور را دچار تفرقه نکرده است» در مقابل، فقدان حضور مردمی در بحران‌ها نشانه‌ی تزلزل مشروعیت یا خستگی اجتماعی تلقی می‌شود. این حضور پویا، همان چیزی است که میدان را اخلاقی و دیپلماسی را معتبر می‌سازد.

۲-۲. خیابان و نظریه‌ی قدرت نرم

بر اساس دیدگاه جوزف نای درباره‌ی قدرت نرم، جذابیت فرهنگی و مشروعیت اجتماعی، بالاتر از توان نظامی است. در مدل ایرانی، این جذابیت از «ترکیب ایمان، همبستگی و احساس مسئولیت جمعی» به‌دست می‌آید. در نتیجه، خیابان تبدیل به صحنه‌ای برای «بازسازی روایت مقاومت و وحدت ملی» می‌شود.

۲-۳. خیابان در نسبت با دیپلماسی

دیپلماسی بدون مردم، «صدای بی‌منشاء» است. در حالی که مردم، دیپلماسی را صاحب پشتوانه‌ی اخلاقی می‌کنند، به‌عنوان مثال، در مجامع بین‌المللی، سفیران یا نمایندگان دستگاه دیپلماسی کشور زمانی مؤثرتر عمل می‌کنند که جهان، تصویر مردمی متحد در پشت سر آنان را ببیند. این همان پیوند میان ادراک عمومی و قدرت چانه‌زنی سیاسی است.

بخش سوم- ضلع دیپلماسی؛ زبان عقلانیت و مدیریت تنش در چارچوب راهبردی

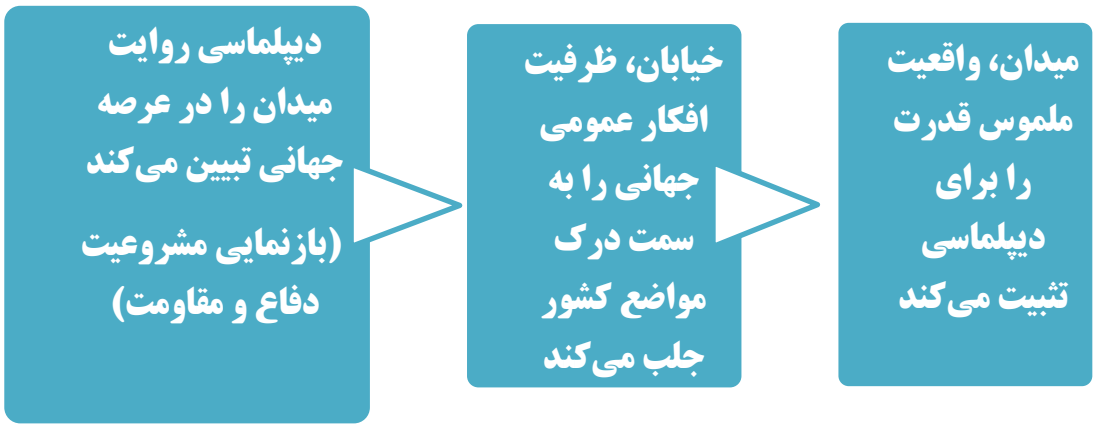
دیپلماسی در گفتمان سه‌ضلعی، دیگر ابزاری برای مصالحه صرف نیست. بلکه کارکرد آن تعمیق قدرت ملی و تبدیل دستاوردهای میدانی و مردمی به «ضمانت‌های بین‌المللی و حقوقی» است.

۳-۱. دیپلماسی فعال به جای دیپلماسی تدافعی

در بحبوحه جنگ رمضان، دستگاه دیپلماسی کشور در حال رایزنی‌های چندجانبه است، نه صرفاً برای کاهش تنش بلکه برای تنظیم بازی قدرت به‌نفع کشور، این رویکرد، از حالت دفاعی خارج شده و وارد مرحله‌ی «دیپلماسی کنش‌گرانه» شده است؛ یعنی تعیین دستورکار توسط ملت ایران به‌جای پذیرش دستورکار دشمن.

۳-۲. پیوند دیپلماسی با میدان و خیابان

وقتی دیپلماسی از میدان پشتیبانی اطلاعاتی و روانی می‌گیرد و از خیابان مشروعیت اجتماعی، می‌تواند با اعتمادبه‌نفس بیشتری عمل کند. در چنین وضعیتی:



۳-۳. نقش دیپلماسی در حفظ منافع ملی در بحران‌های چندلایه

دیپلماسی همچنین مسئول حفظ رگ‌های حیاتی اقتصاد و روابط انسانی در شرایط فشار خارجی است. رایزنی‌های منطقه‌ای، ارتباطات با قدرت‌های ثانویه و تعاملات بشردوستانه، بخشی از شبکه‌ای است که طبق وظایف ذاتی دستگاه دیپلماسی در شرایط حساس باید دنبال شود.

بخش چهارم: هم‌افزایی سه ضلع و شکل‌گیری قدرت مرکب

در علم روابط بین‌الملل، مفهوم «قدرت مرکب» به ترکیب «قدرت سخت، نرم و هوشمند» اشاره دارد. سه ضلع میدان، خیابان و دیپلماسی دقیقاً در این چارچوب قرار می‌گیرند.

این هم‌افزایی را می‌توان چنین خلاصه کرد:

ضلع	نوع قدرت	کارکرد اصلی	اثر تضامنی
میدان	سخت	دفاع و بازدارندگی	پایه‌ی امنیت و اقتدار
خیابان	نرم	تداوم مشروعیت و هویت ملی	پشتوانه‌ی اجتماعی میدان و دیپلماسی
دیپلماسی	هوشمند	روایت‌سازی بین‌المللی و اعلام مواضع	اتصال قدرت سخت و نرم در قالب سیاست

در حال حاضر، مهم‌ترین دستاورد این هم‌افزایی آن است که کشور توانسته روایت منسجمی از «وحدت قدرت ملی» ارائه دهد؛ روایتی که در آن اختلاف‌ها معنای خود را از دست داده و جای آن را «هم‌جهتی هدفمند» گرفته است.

بخش پنجم: جایگاه سه‌ضلعی در ساختار منطقه‌ای و نظم نوین جهانی

با توجه به آنچه شاهد هستیم، جنگ رمضان فقط یک رویارویی نظامی نیست، بلکه میدان آزمایشی برای سنجش تعادل جدید منطقه‌ای است. در چنین فضایی:

- ضلع میدان ایران، محور مقاومت را تقویت کرده و بازدارندگی را در برابر سناریوهای فرامنطقه‌ای تثبیت می‌کند.

- ضلع خیابان، علاوه بر تقویت و استمرار اتحاد مقدس داخلی، حمایت مردمی را در کشورهای همسو گسترش می‌دهد (از بیروت تا بغداد، یمن و غزه، امتداد اراده‌ی مردمی قابل مشاهده است.)

- ضلع دیپلماسی، در تلاش است تا این تحولات را به امتیازات واقعی در سطح تصمیم‌سازی جهانی تبدیل نماید، از گفتمان عدالت و استقلال تا رسمیت بخشیدن به اصل دفاع مشروع.

در نتیجه، رویکرد سه‌ضلعی از یک سیاست داخلی به «مدل منطقه‌ای قدرت متوازن» ارتقا یافته است؛ مدلی که در آینده‌ی خاورمیانه مؤلفه‌ای تعیین‌کننده خواهد بود. در پایان می‌توان گفت که سه‌ضلعی میدان، خیابان و دیپلماسی، تصویری نو از «وحدت قدرت در عصر پیچیدگی استراتژیک» است. برخلاف رویکردهای کلاسیک که میدان و دیپلماسی را در تضاد می‌دیدند، در این گفتمان نو:

- میدان نه تندروی بلکه ابزار بازدارندگی عقلانی است.

- خیابان نه هیجان بلکه زبان اراده‌ی ملت است.

- دیپلماسی نه تعارف بلکه عقلانیت همراه با نفوذ نرم است.

این سه با هم الگویی از قدرت هم‌افزا را می‌سازند که شالوده‌ی ثبات ملی و منطقه‌ای محسوب می‌شود. در میانه‌ی جنگ رمضان، این وحدت مفهومی و عملی می‌تواند «معنای جدیدی از اقتدار، انسجام و امید ملی» را ترسیم کند؛ اقتداری که از هماهنگی عقل، ایمان و اقدامات واقعی زاده شده و نه از واکنش به بحران، بلکه از «طراحی آینده‌ای هوشمندانه» سخن می‌گوید.

بخش ششم: ضرورت هم‌افزایی ملی در حمایت از دستگاه دیپلماسی کشور

دیپلماسی در هر نظام سیاسی، ستون عقلانیت و کنش گفت‌وگومدار است؛ محوری که مأموریت آن «انتقال منافع ملی به زبان جهان و تبدیل چالش‌ها به فرصت‌ها» است. در شرایطی که کشور در میانه‌ی جنگ رمضان، زیر فشارهای نظامی، رسانه‌ای، روانی و سیاسی چندلایه قرار دارد، اهمیت حمایت مردمی و نخبگان از دستگاه دیپلماسی دوچندان می‌شود. اگر میدان نماد اراده و خیابان نمایش وحدت است، دیپلماسی همان ذهن طراحی است که این دو را به سطح جهانی ترجمه می‌کند. بدون حمایت ملی، این ذهن دچار شکست ادراکی می‌شود.

۶-۱. دیپلماسی به مثابه قدرت عقلانی کشور

دیپلماسی صرفاً مجموعه‌ای از گفت‌وگوها نیست؛ بلکه «سیستم عصبی تصمیم‌گیری در برابر جهان» است. در بحبوحه جنگ رمضان، دستگاه سیاست خارجی ایران باید همزمان با مدیریت تهدیدات نظامی، کاهش فشارهای سیاسی و اقتصادی و حفظ مسیرهای بین‌المللی مشروعیت و تأثیرگذاری عمل کند. این حجم از وظیفه، نیازمند «پشتوانه‌ی روانی، سیاسی و اجتماعی قدرتمند» از درون جامعه است. هنگامی که دستگاه دیپلماسی احساس کند مورد حمایت عمومی است، قدرت چانه‌زنی و استقامت آن در برابر قدرت‌های جهانی چندبرابر می‌شود.

۶-۲. تجربه‌های تاریخی و درس‌های راهبردی

در طول تاریخ معاصر، کشورهایی که در زمان بحران، از دیپلماسی خود حمایت همگانی داشته‌اند، توانسته‌اند حتی در شکست‌های ظاهری، موفقیت راهبردی بسازند. نمونه‌های متعدد نشان می‌دهد در جنگ‌های منطقه‌ای، تنها گفتار واحد ملت پشت دستگاه دیپلماسی بود که توانست امتیازات سیاسی را تثبیت کند. در فشارهای اقتصادی، همراهی نخبگان و بخش خصوصی با دیپلماسی فعال اقتصادی، مسیرهای تجارت موازی را باز کرد. در حوزه‌ی افکار جهانی، حضور روشنفکران، دانشگاهیان و شخصیت‌های فرهنگی در کنار دیپلمات‌ها، توانست تصویر کشور را از دفاعی به کنش‌گرانه تغییر دهد.

۶-۳. دیپلماسی در برابر میدان رسانه‌ای و جنگ شناختی

در عصر جنگ شناختی، دیپلماسی بیش از هر زمان دیگر به پشتیبانی مردم نیاز دارد. امروز دشمنان در پی آن نیستند که تنها اقدامات نظامی یا سیاسی را تخریب کنند؛ بلکه تلاش دارند روایت کشور را در سطح بین‌المللی دگرگون سازند و دیپلماسی را از پشتوانه‌ی مردمی تهی کنند. اینجاست که ضرورت حمایت عمومی جلوه‌گر می‌شود؛ وقتی مردم موضع دیپلمات‌های خود را بفهمند و تکرار کنند، قدرت روایت رسمی چندبرابر می‌شود. هنگامی که نخبگان و چهره‌های فرهنگی از تلاش‌های سیاست خارجی دفاع کنند، رسانه‌های بیرونی در ساختن تصویر منفی ناکام می‌مانند. در واقع، جامعه باید بدانند دیپلماسی هم سنگر است؛ سنگری که در آن گلوله‌ها، رسانه و اطلاعات‌اند و سپر آن، حمایت افکار عمومی.

۶-۴. .دیپلماسی، زبان وحدت ملی در خارج از مرزها

دیپلماسی حامل پیام وحدت داخلی در محیط بین‌المللی است، سفیران، نمایندگان و دستگاه دیپلماسی در خارج، باید چهره‌ی واحد ملت را نمایش دهند. هرگونه دوگانگی، تردید یا انتقاد غیرمسئولانه از داخل، می‌تواند این تصویر را مخدوش کرده و هزینه‌های ملی ایجاد کند. حمایت از دستگاه دیپلماسی به معنای «ایجاد جبهه‌ی واحد پیرامون منافع ملی» و تصریح بر یک اصل ثابت: «در بیرون از مرزها، همه فرزندان یک ملت‌اند» است.

۶-۵. نقش نخبگان، احزاب و شخصیت‌ها در تقویت دیپلماسی

دیپلماسی بدون شبکه‌ی پشتیبانی فکری، رسانه‌ای و مدنی نمی‌تواند دوام بیاورد. نقش گروه‌های اجتماعی را می‌توان در چند لایه طبقه‌بندی کرد:

الف) نخبگان نظری و دانشگاهی: باید میدان گفت‌وگوهای علمی و تبیینی ایجاد کنند تا جهان، منطق تصمیمات ایران را بفهمد. روشنگری دانشگاهی، قدرت استدلالی کشور را بالا می‌برد.

ب) احزاب و گروه‌های سیاسی: در لحظات حساس باید اولویت را «منافع ملی» بدانند نه تقابل جناحی. اختلاف نظر مشروع است اما تضعیف تیم دیپلماسی، تضعیف قدرت ملی است.

ج) شخصیت‌ها و چهره‌های اجتماعی و فرهنگی: آن‌ها می‌توانند از طریق پیام‌های رسانه‌ای، مصاحبه‌ها و ارتباطات فرهنگی با ملت‌های دیگر، چهره‌ای انسانی و معتدل از سیاست خارجی کشور بسازند.

د) رسانه‌ها: نقش کلیدی در دفاع از دیپلماسی دارند و باید روایت رسمی را تقویت کنند

۶-۶. مردم؛ سپر اجتماعی دیپلماسی کشور

در نهایت، مهم‌ترین عنصر حمایتی از دیپلماسی، «خود مردم» هستند. مردم می‌توانند با رفتارهای روزمره، پیام پایداری و امید صادر کنند. حتی ساده‌ترین واکنش‌های مردمی مانند عدم همراهی با اخبار منفی یا حمایت از مواضع رسمی در فضای مجازی، در سطح بین‌المللی تأثیرگذار است. در نظریه‌ی جدید قدرت هوشمند، گفته می‌شود «هر جمله‌ی مردمی در فضای مجازی، معادل یک موضع سیاسی رسمی است». بنابراین، دیپلماسی امروز دیگر در وزارتخانه محدود نیست؛ بخشی از آن در کوچه و خیابان و ذهن مردم جریان دارد. حمایت عمومی از دیپلماسی یعنی «ایجاد هوشمندی جمعی در دفاع از روایت ملی»؛ هر فرد تبدیل به سفیر فرهنگی و رسانه‌ای ملت خود می‌شود.

۶-۷. چالش‌های تضعیف دیپلماسی در نبود حمایت عمومی

در مقابل، عدم حمایت مردمی یا شکاف نخبگانی، آسیب‌های جدی مانند افزایش فشارهای روانی بر دستگاه دیپلماسی کشور، بی‌اعتمادی جهانی نسبت به انسجام داخلی کشور، سوءاستفاده رسانه‌های بیگانه از اختلافات داخلی و ایجاد گسل میان تصمیمات ملی و اجراهای عملیاتی در صحنه‌ی بین‌المللی در پی دارد. در چنین وضعیتی، حتی قوی‌ترین ساختار دیپلماتیک نیز در برابر جنگ رسانه‌ای خارجی آسیب‌پذیر می‌شود. بنابراین، «حمایت از دیپلماسی نه انتخاب بلکه ضرورت استراتژیک» است.

۶-۸. دیپلماسی به مثابه میراث عقلانیت ملی

دیپلماسی کشور، میراث عقلانیت تاریخی ایران است همان عقلانیتی که قرن‌ها فرهنگ گفت‌وگو، احترام و ابتکار را حفظ کرد در وضعیت جنگی فعلی، این میراث باید به‌دست همه‌ی ملت، شخصیت‌ها، احزاب و رسانه‌ها پاسداری شود، حمایت از دیپلماسی یعنی **حمایت از خودِ کشور، حمایت از ثبات، امید و تصویر جهانی ایران.**

در مقطع حساس کنونی، ضرورت حمایت همه‌جانبه از دستگاه دیپلماسی نه یک توصیه بلکه یک مأموریت ملی است؛ مأموریتی که بدون آن، میدان و خیابان نیز کارکرد کامل خود را از دست می‌دهند. دیپلماسی زبان ملت در جهان است و ملت باید هم‌صدا با آن سخن بگوید؛ زیرا در دنیای پرتنش امروز، تنها ملت‌هایی پیروزند که گفتار خود را با عمل و اراده‌ی جمعی همراه کنند.

بخش هفتم- اهمیت تقویت «میدان» در جنگ کنونی؛ بازوی اقتدار ملی

در هر منازعه‌ی جدی، «میدان» به معنای واقعی کلمه، صحنه‌ی نبرد نظامی، امنیتی و اطلاعاتی نخستین و ملموس‌ترین تجلی اقتدار و اراده‌ی یک ملت است. در شرایط جنگی کنونی، تقویت و انسجام «میدان» نه تنها برای دفاع، بلکه برای حفظ اعتبار دیپلماسی و تضمین انسجام داخلی(خیابان) حیاتی است.

۷-۱. میدان، عامل بازدارندگی و سیگنال‌دهی راهبردی

میدان، پیش از هر چیز، ابزار بازدارندگی است. قدرت نظامی، اطلاعاتی و امنیتی که در میدان حضور دارد، دشمن را از هرگونه اقدام جسورانه و گسترده علیه منافع و امنیت ملی باز می‌دارد. در شرایط جنگی، هرگونه تضعیف یا عدم تقویت میدان، به معنای ارسال سیگنال ضعف به دشمن است که می‌تواند منجر به تشدید حملات و جسارت بیشتر از سوی آنان شود.

نمایش آمادگی، تجهیزات و توانمندی‌های رزمی در میدان، به دشمن پیام می‌دهد که هزینه هرگونه تجاوز، بسیار سنگین خواهد بود. این خود، جنگ را در سطحی قابل مدیریت نگه می‌دارد. علاوه بر این حضور مؤثر در میدان، امکان کنترل و هدایت جغرافیای درگیری را فراهم می‌کند. این بدان معناست که می‌توان از گسترش بی‌رویه بحران و ورود آن به عمق خاک کشور جلوگیری کرد.

۷-۲. میدان، پشتوانه‌ی عملیاتی دیپلماسی

دستگاه دیپلماسی کشور، تنها زبان منطق را به کار نمی‌گیرد؛ بلکه «زبان قدرت» نیز در دست دارد. این زبان قدرت، همان توانمندی‌های میدانی است که در پشت سر دستگاه دیپلماسی قرار دارد. در شرایط جنگی، کشوری که در میدان قوی عمل می‌کند، قدرت تحلیل بیشتری در دیپلماسی دارد. هرگونه پیروزی دیپلماتیک، در صورت عدم وجود پشتوانه‌ی میدانی، شکننده و ناپایدار خواهد بود. میدان، تضمین‌کننده‌ی اجرای تعهدات و حفظ منافع ملی است.در واقع می‌توان گفت اقدامات موفق میدانی، خوراک و پشتوانه‌ی رسانه‌ای قدرتمندی برای دستگاه دیپلماسی فراهم می‌کند تا بتواند روایت خود را در سطح جهانی تثبیت کند و از مظلومیت یا حقانیت خود سخن بگوید.

۷-۳. میدان، تضمین‌کننده‌ی انسجام اجتماعی و روحیه‌ی «خیابان»

میدان، نه تنها برای دشمن، بلکه برای ملت نیز نماد اراده، مقاومت و شجاعت است. در شرایط جنگی، مشاهده‌ی حضور مقتدرانه نیروهای مسلح در میدان، نقش حیاتی در حفظ روحیه و انسجام ملی (خیابان) دارد. وقتی مردم احساس کنند که نیروهایشان در میدان با اقتدار در حال دفاع هستند، امیدشان به پیروزی افزایش یافته و اراده‌ی مقاومت در آنان تقویت می‌شود.

در برابر تهدید خارجی، «میدان» به نماد وحدت ملی تبدیل می‌شود. هر فردی در هر جایگاه اجتماعی، با حمایت از نیروهای میدانی، حس تعلق و وفاداری خود را به کشور نشان می‌دهد. موفقیت‌های میدانی، مشروعیت حاکمیت را در میان مردم تقویت می‌کند. این موفقیت‌ها نشان می‌دهد که رهبری و نیروهای مسلح، قادر به دفاع از منافع و امنیت کشور هستند.

۷-۴. تنوع ابعاد «میدان» در جنگ نوین

«میدان» امروز فقط به معنای نبرد زمینی نیست؛ بلکه ابعاد گسترده‌تری یافته است:

میدان نظامی: شامل عملیات‌های کلاسیک، جنگ نامتقارن، دفاع موشکی، پدافند هوایی و ...

میدان امنیتی: شامل اقدامات اطلاعاتی، ضد اطلاعاتی، حفاظت از زیرساخت‌ها، مقابله با نفوذ و خرابکاری.

میدان سایبری: شامل دفاع در برابر حملات سایبری، جنگ اطلاعاتی و حفظ زیرساخت‌های ارتباطی.

میدان اقتصادی: شامل حفظ زنجیره‌های تأمین، مقابله با تحریم‌های اقتصادی و مدیریت ارزاق عمومی.

میدان شناختی و ادراکی: شامل مقابله با جنگ روانی، مدیریت افکار عمومی و تثبیت روایت ملی.

تقویت «میدان» در شرایط جنگی، مستلزم توجه هم‌زمان به همه‌ی این ابعاد است.

۷-۵. جمع‌بندی: میدان، ستون فقرات قدرت ملی در جنگ

در شرایط جنگی، «میدان» ستون فقرات قدرت ملی است. اقتدار دیپلماسی، انسجام خیابان و نهایتاً بقا و پیروزی ملت، همگی به شدت به توانمندی‌ها و استحکام «میدان» وابسته‌اند. هرگونه غفلت در تقویت آن، خیانت به خون شهدا و آینده‌ی کشور است. تقویت میدان به معنای تجهیز و آمادگی مستمر نیروها، ارتقای توان اطلاعاتی و امنیتی، مقابله قاطع با تهدیدات در همه‌ی ابعاد و ایجاد وحدت ملی در پشت جبهه‌ی مقاومت است.

بخش هشتم- «خیابان»؛ موتور محرک مقاومت و مشروعیت در جنگ

حضور مردم و نقش «خیابان» در بحبوحه‌ی جنگ، به اندازه‌ی «میدان» و «دیپلماسی»، حیاتی و تعیین‌کننده است. «خیابان» در اینجا صرفاً به معنای حضور فیزیکی مردم در تجمعات نیست، بلکه نمادی از «اجماع ملی، اراده‌ی عمومی، مشروعیت اجتماعی و پشتوانه‌ی مردمی» برای هرگونه اقدام حاکمیتی است.

۸-۱. «خیابان»؛ تجلی اراده‌ی عمومی و مشروعیت‌بخشی به اقدامات

در هر جنگی، مشروعیت اقدامات حاکمیت از دو کانال اصلی سرچشمه می‌گیرد: قدرت میدانی و پشتیبانی مردمی(خیابان). وقتی دستگاه دیپلماسی کشور در مجامع یا رسانه‌های بین‌المللی حضور می‌یابد و حمایت گسترده‌ی مردم از مقاومت و مواضع کشور را به نمایش می‌گذارد، قدرت آنان در تغییر وضعیت و روایت به نفع مردم و کشور به طور چشمگیری افزایش می‌یابد. دشمن می‌داند که با ملتی یکپارچه روبرو است که از رهبران خود حمایت می‌کند و نیروهایی که در «میدان» نبرد حضور دارند، با مشاهده‌ی حمایت و همدلی مردم، روحیه‌ای مضاعف پیدا می‌کنند.

۸-۲. «خیابان»؛ خط مقدم جنگ ادراکی و روانی

جنگ امروز، صرفاً جنگ موشک و بمباران هوایی نیست؛ بلکه جنگ روایت‌ها، افکار و ادراکات است. «خیابان» در این میان، مهم‌ترین صحنه برای جنگ ادراکی و مقابله با جنگ روانی دشمن است.

دشمن تلاش می‌کند تا با انتشار اخبار کذب، ایجاد یأس و ناامیدی و تفرقه‌افکنی، روحیه‌ی جامعه را تضعیف کند. حضور فعال و آگاهانه‌ی مردم در «خیابان» (به معنای فضای عمومی جامعه)، بهترین پدافند در برابر این تبلیغات است. در شرایط جنگی، دشمنان داخلی و خارجی همواره به دنبال ایجاد شکاف و تفرقه در جامعه هستند. «خیابان» و حضور منسجم مردم، نماد وحدت ملی است و مانع از سوء استفاده‌ی دشمن از اختلافات داخلی می‌شود. «خیابان» صحنه‌ی زنده‌ی تجلی فرهنگ مقاومت است. هرگونه شعار، بنر، یا تظاهرات مردمی، روایتی از ایستادگی و پایداری را بازتولید و تقویت می‌کند که در مقابل روایت‌های وارونه‌ی دشمن، سپر دفاعی محکمی ایجاد می‌نماید.

۸-۳. «خیابان»؛ موتور محرک و پشتوانه‌ی اقتدار نرم

خیابان به معنای حضور مردم، نماد قدرت نرم یک کشور است. این قدرت نرم، ریشه در ایمان، همبستگی، احساس مسئولیت جمعی و جذابیت‌های فرهنگی یک جامعه دارد. کشوری که مردمش با شور و اشتیاق از آرمان‌های خود دفاع می‌کنند، در سطح بین‌المللی نیز جذابیت و اعتبار بیشتری کسب می‌کند. این جذابیت، به خودی خود یک ابزار دیپلماتیک و قدرت نرم محسوب می‌شود. در بحبوحه‌ی جنگ، «خیابان» به صحنه‌ی تجدید پیمان مجدد با هویت ملی و ارزش‌های بنیادین تبدیل می‌شود. این تجدید پیمان، حس تعلق و وفاداری را در مردم تقویت کرده و آن‌ها را برای تحمل سختی‌ها و فداکاری‌ها آماده می‌سازد.

از طرفی حضور مسئولانه، آگاهانه و هم‌افزای مردم در «خیابان»، بلوغ اجتماعی جامعه را به نمایش می‌گذارد. این امر، اطمینان خاطر را برای حاکمیت در تصمیم‌گیری‌های دشوار فراهم می‌کند.

۸-۴. «خیابان» و رابطه‌ی دوسویه‌ی آن با «میدان» و «دیپلماسی»

همانطور که اشاره شد، «خیابان» با «میدان» و «دیپلماسی» رابطه‌ای دوسویه و حیاتی دارد:

خیابان به میدان: پشتیبانی روحی، معنوی و حتی لجستیکی (در صورت نیاز) را فراهم می‌کند.

میدان به خیابان: احساس امنیت، امید به پیروزی و غرور ملی را در مردم زنده نگه می‌دارد.

خیابان به دیپلماسی: پشتوانه‌ی مردمی و مشروعیت اجتماعی را به همراه می‌آورد.

دیپلماسی به خیابان: دستاوردهای بین‌المللی و تلاش‌ها برای تأمین منافع ملی را به اطلاع مردم می‌رساند و امیدواری را تقویت می‌کند.

در «جنگ رمضان» و هر جنگ دیگری، «خیابان» نبض تپنده‌ی مقاومت ملی است. حضور فعال، آگاهانه و منسجم مردم، همانند آنچه در این روزها و شب‌ها شاهد هستیم، تضمین‌کننده‌ی مشروعیت اقدامات، موتور محرک روحیه‌ی مقاومت و خط مقدم مقابله با جنگ روانی دشمن است.

بخش نهم- راهکارهای تقویت و توضیح برخی مفاهیم اضلاع سه‌گانه‌ی قدرت ملی

قدرت ملی در عصر حاضر، «مرکب» یعنی حاصل جمع یا ضرب قدرت سخت (میدان)، قدرت نرم (خیابان) و قدرت هوشمند (دیپلماسی) است؛ تنها از طریق «هم‌افزایی» این سه ضلع است که می‌توان به بازدارندگی پایدار، مدیریت مؤثر بحران و تحقق منافع ملی دست یافت. راهکارها باید به گونه‌ای طراحی شوند که تقویت یک ضلع، به تقویت سایر اضلاع نیز یاری رساند.

۹-۱. راهکارهای تقویت «میدان» (قدرت سخت و عملیاتی)

تقویت میدان، نیازمند سرمایه‌گذاری بلندمدت، نوآوری و آمادگی دائمی است که از طریق سرمایه‌گذاری در صنایع دفاعی بومی برای تولید نسل جدید تسلیحات، سامانه‌های پدافندی، موشکی و پهپادی و توسعه‌ی فناوری‌های نوین و تمرکز بر حوزه‌هایی مانند جنگ سایبری، هوش مصنوعی در میدان نبرد به دست می‌آید.

البته در کنار ساخت تسلیحات، طراحی و اجرای عملیات‌های اطلاعاتی و عملیاتی برای خنثی‌سازی تبلیغات دشمن و حفظ روحیه نیروهای خودی با استفاده از ظرفیت‌های مردمی در پشتیبانی میدان و بسیج نیروهای داوطلب و مردمی برای پشتیبانی لجستیکی، اطلاعاتی و حتی رزمی در صورت نیاز نیز تجربه موفقی است که باید از آن استفاده کرد.

۹-۲. راهکارهای تقویت «خیابان» (قدرت اجتماعی، روانی و ادراکی)

- افزایش آگاهی و بصیرت عمومی

* ارائه‌ی اطلاعات صحیح و به‌موقع به مردم در خصوص تحولات میدانی و دیپلماتیک
* ایجاد سازوکارهایی برای شناسایی، رد و خنثی‌سازی اخبار کذب و شایعات مخرب.
* استفاده از ظرفیت رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و هنرمندان برای تولید محتوایی که مقاومت، وحدت و امید را ترویج کند.

- ارتقاء هویت ملی و آرمان‌گرایی

* ترویج ارزش‌های دینی، انقلابی و ملی که اساس مقاومت را تشکیل می‌دهند
* معرفی الگوهای ایثار، شجاعت و فداکاری در «میدان» و «خیابان»
* نشان دادن موفقیت‌های حاصل از ایستادگی، حتی در صورت وجود سختی‌ها.

۹-۳. بخش سوم: راهکارهای تقویت «دیپلماسی» (قدرت نرم و هوشمند)

در شرایط جنگی، نقش دیپلماسی حیاتی‌تر نیز می‌شود. تقویت دیپلماسی، نیازمند رویکردی فعال، هوشمندانه و با پشتوانه است:

- دیپلماسی فعال و چندجانبه

برقراری ارتباط مستمر با کشورهای همسو و کشورهایی که می‌توانند در کاهش تنش نقش داشته باشند در این شرایط ضروری است، دستگاه دیپلماسی باید تلاش کند از ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی برای جلب حمایت حقوقی و سیاسی، حفظ کانال‌های اقتصادی و تجاری حیاتی، مقابله با تحریم‌ها و تأمین نیازهای کشور استفاده کند.

- مدیریت تنش و کاهش احتمالات جنگ: هنر دیپلماسی

بر اساس وظایف ذاتی دستگاه دیپلماسی، ایجاد و حفظ کانال‌های ارتباطی غیررسمی، به خصوص در زمان بحران برای تغییر نتیجه رویارویی به نفع کشور و شفاف‌سازی اهداف و خطوط قرمز، به گونه‌ای که دشمن دچار محاسبات اشتباه نشود، ضروری است.

- ارتقاء جایگاه کشور در نظم نوین جهانی

دیپلماسی در شرایط جنگی، تنها به معنای گفتگو و یا فعالیت رسانه‌ای نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از اقدامات فعال، هوشمندانه و هماهنگ است که با هدف ایجاد موازنه، کاهش تنش و تأمین منافع ملی انجام می‌شود. استفاده از «قدرت نرم» برای ارتقاء تصویر بین‌المللی و نمایش چهره‌ای سازنده و متمدن از کشور، حتی در شرایط سخت مانند جنگ رمضان ضرورت این مهم را بیش از پیش نمایان کرده است.

- هماهنگی دیپلماسی با میدان و خیابان: پیوند ناگسستنی

مدل‌سازی سناریو: پیش‌بینی واکنش‌های احتمالی دشمن و متحدانش به اقدامات میدانی و طراحی پاسخ‌های دیپلماتیک متناسب با آن.

بازتاب دستاوردهای میدانی در تریبون‌های دیپلماتیک: هر موفقیت در «میدان»، باید به نحو احسن در «دیپلماسی» بازتاب یابد تا به اهرم فشار و اعتبار بین‌المللی تبدیل شود.

نقش «خیابان» به عنوان پشتوانه مشروعیت: در تلاش‌های دیپلماتیک، اشاره به حمایت قاطع مردمی از مواضع نظام، قدرت چانه‌زنی دیپلماتیک را افزایش می‌دهد. این امر باید از طریق رسانه‌ها و اقدامات نمادین مردمی (مانند راهپیمایی‌ها، بیانیه‌ها) تقویت شود.